

سازمان های توده ای سنگر مردم در برابر سرکوب _ ارتجاع و امپریالیسم



در شرایط کنونی آنچه اهمیت دارد اینست که اولاً و پیش از هر چیز مطالبات و شیوه مطالبه گری باید از مجرای طرح شود و در میدان هایی به اعتراض گراید که حقانیت این مطالبه گری مانع از سرکوب آن گردد و یا هزینه های سرکوب را برای جمهوری اسلامی افزایش دهد. برای حصول به این منظور مطالبه گری و اعتراض باید در محیط های کار و تولید و به اتکای نیروهای واقعی و مصمم در این مکان ها باشد و در آنجا قوام یابد و در حین قوام یافتگی اصالت و برحق بودن این مطالبه به افکار عمومی نشان داده شود.



سازمان های توده ای سنگر مردم در برابر سرکوب _ ارتجاع و امپریالیسم

سازمان های توده ای بخشی از ارگان های اجتماعی هستند که بنا به ضرورت همواره می توانند ایجاد شوند و کارکردهای معینی به سود زندگی اجتماعی انسان داشته باشند این سازمان ها گستره وسیعی دارند. آنها ضمن آنکه بنا به موضوع خاصی پا گرفته و قوام و دوام می یابند در عین حال بنا به وضع

زندگی اجتماعی گروه‌های مردم، در عین داشتن تفاوت‌های جدی، اشتراکات بسیار دارند اما اشتباه بزرگی است اگر تصور شود هر یک می‌توانند جایگزین مناسبی برای پیشبرد وظایف و اهداف دیگری باشند. سازمان‌های توده‌ای با ویژگی طبقاتی مثل سندیکاها و اتحادیه‌ها اگر چه ممکن است بتوانند در کنار سازمان‌های توده‌ای با ویژگی ملی و قومیتی قرار گیرند و یا در کنار جنبش‌های اجتماعی مثل شوراهای شهر و روستا گاه اهداف مشترکی را دنبال کنند و یا در کنار جنبش‌های زنان در مواردی به سود این جنبش مثلاً علیه تبعیض جنسیتی با در نظر داشت اشتراکات موجود قرار گیرند و یا به دلیل ارتباط‌های خانواده محور در دفاع از وضعیت اجتماعی جوانان خود در عرصه‌های علمی و دانشجویی به یاری سازمان‌های جوانان و دانشجویان نقش اجتماعی خود را ایفا کنند در عین حال هر یک بطور جداگانه مسایل و موضوعات خود را دارند و بدیهی‌ترین موضوع آنست که تقسیم کار اجتماعی را به درستی دریابند و با احترام به اهداف مستقل و راهبردهای آن در اهداف مشترک با حفظ احترام متقابل یاریگر هم باشند.

این اشتراکات در عرصه‌های گوناگون وجود دارد به ویژه آنکه در شرایط استبدادی در جمهوری اسلامی این اشتراکات به دلیل سرکوب‌های مکرر و همیشگی، چسبندگی‌های زیادی نسبت بهم نیز دارند. نمی‌توان تصور کرد که موضوع کسب و کارها و امنیت شغلی کارگران را می‌شود از موضوع آشفستگی در عرصه‌های کلان اقتصادی و آلودگی‌هایی چون اختلاس و دزدی‌ها و غارت مردم، جدایی پذیر دانست. همانگونه که کاهش سطح بهداشت عمومی و شیوع انواع بیماریها جدای از کالایی کردن بهداشت توسط نظام سرمایه نیست و در عرصه‌هایی این کالایی سازی بهداشت و نظام سلامت منجر به نابود شدن نهادهای متولی بهداشت کارگران و زحمتکشان می‌شود و به عنوان مثال سازمان‌های بیمه گر چون تامین اجتماعی در این راستا مورد تجاوز آشکار دولت (که قرار بر مدیریت قانونمند و سالم آن را داشته است) قرار می‌گیرد و در این رهگذر این خطر جدی وجود دارد که با غارت منابع آن از جمله تصرف بانک‌ها و شرکت‌های تابعه آن و نهادهای بیمارستانی و امکانات بهداشتی این سازمان در سیستم نظام سلامت کالایی خورده شوند و طبیعی است که طبقه کارگر کشور از این ناحیه آسیب جدی ببیند و برای پیشگیری از این آسیب‌ها و دفاع از منافع طبقاتی به مبارزه‌ای فراگیر از طریق سازمان‌های طبقاتی خود با سایر سازمان‌های توده‌ای به میدان آیند.

بر همین منوال است نسبت اشتراکات جنبش‌های اجتماعی دیگر مثل پیوند مبارزاتی کارگران و دانشجویان و خبرنگاران و کارگران، معلمان و خبرنگاران، زنان و کارگران و دانشجویان و البته که در میان این دسته‌ها و جمعیت‌ها آنچه بیش از هر چیز تعیین کننده است شعاری است که این روزها بیشتر شنیده میشود و آن شعار «نان - کار - آزادی» است. این بدان معنی نیست که دیگر شعارهای مطالباتی توده‌های مردم اعم از سازمان یافته و یا پراکنده از اهمیت و اعتبار اجتماعی برخوردار نیست. منتهی این شعار بسته به شرایط استبدادی نقشی استراتژیک یافته است.

دقیقا به همین دلیل است که جمهوری اسلامی نیز شمشیر خود را برای مبارزان راه عدالت و آزادی از رو بسته است و قوه قضاییه به ریاست یکی از سرسپرده‌ترین و جنایت‌کارترین عناصر نظام سرمایه داری اسلام پناه به همراه دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه پاسداران، کمر به سرکوب خشن این مبارزان و نابودسازی هسته‌های مقاومت گرفته است. احکام سنگین برای کارگران، دانشجویان، خبرنگاران و روزنامه‌نگاران، فعالان اجتماعی در جنبش‌های زنان و سازمان‌های

دفاع از حقوق کودکان، روشنفکران و نویسندگان فعال در کانون نویسندگان و جز آن، وکلای شریف و آزاده‌ای که همواره در کنار کارگران و زحمتکشان هستند و معترضان به شیوه زمامداری ولایت مطلقه جمهور گریز و جمهوری ستیز نظام سیاسی ایران، بسته اند و هر روز بیش از پیش شاهد ارباب آشکار و چنگ و دندان نشان دادن به مردم هستند.

در چنین شرایطی ضمن آنکه گاه حضور مردم در خیابان اجتناب ناپذیر و ناگزیر است اما باید توجه داشت که این حضور بدون پشتوانه‌های لازم می‌تواند از سوی جمهوری اسلامی برای مبارزان هزینه‌های گزافی را به دنبال داشته باشد و در عین حال اگر راهکارهای مناسبی برای کاهش این هزینه‌ها بر مردم اندیشیده نشود و کاربست درستی پیدا نکند این حربه سرکوب است که کارساز خواهد شد و موجب سرخوردگی فراهم می‌آورد. به دیگر سخن جنبش‌های اعتراضی خیابانی اگر نتوانند از دل سازمان‌های توده‌ای فراگیر شونده سر برآورد، یا نتوانند به انسجام اجتماعی و ارگانیک مردم و خلق سازمان‌های توده‌ای منجر شود؛ عملاً ضمن از دست رفتن پتانسیل‌های موجود و دستگیری و زندانی شدن مبارزان مردمی و تحمل کیفرهای شدید که جمهوری اسلامی هیچ ابایی از تحمیل آن به مردم ندارد؛ راه‌های تداوم مبارزه را نیز می‌بندد و این همان چیزی است که نظام سرمایه‌داری اسلام پناه در پی آنست و صد البته که این وضع موجب رضایتمندی نظام سرمایه‌ جهانی و امپریالیست‌ها نیز خواهد بود. آنان به جزیره امنی برای سرمایه‌گذاری و غارت بی‌دغدغه‌ای می‌اندیشند که جمهوری اسلامی می‌تواند این جزیره را به آنها وعده دهد. به ویژه آنکه در آینده‌ای مبتنی بر سازش ناگزیر جمهوری اسلامی با آمریکا هرگونه مقاومت احتمالی تحمل خواهد شد.

در شرایط کنونی آنچه اهمیت دارد اینست که اولاً و پیش از هر چیز مطالبات و شیوه مطالبه‌گری باید از مجرای طرح شود و در میدان‌هایی به اعتراض‌گرایی که حقانیت این مطالبه‌گری مانع از سرکوب آن گردد و یا هزینه‌های سرکوب را برای جمهوری اسلامی افزایش دهد. برای حصول به این منظور مطالبه‌گری و اعتراض باید در محیط‌های کار و تولید و به اتکای نیروهای واقعی و مصمم در این مکان‌ها باشد و در آنجا قوام یابد و در حین قوام یافتگی اصالت و برحق بودن این مطالبه به افکار عمومی نشان داده شود.

ممکن است کسانی ما را متهم به برخوردهای صنفی و مطالباتی کنند. پاسخ ما به آنها این است که در ایران امروز لایه زیرین مطالبات صنفی قطعاً سیاسی است و تنها با خراشی کوچک هر مطالبه صنفی به ترکیبی از مطالبه صنفی _ سیاسی بدل خواهد شد. مادام که این توانمندی ایجاد نشده باشد که مطالبه صنفی سیاسی به سود مطالبه‌گران، جهت و سمت و سوی خود را بیابد و افکار عمومی حقانیت این مطالبه‌گری را به سود در معترضان صادر نکند! خطر سرکوب و بی‌نتیجه ماندن حرکات اعتراضی منجر به پیروزی هر چند موفق نظام سرکوبگر خواهد شد و تجربیات سال‌های اخیر این ادعا را ثابت کرده است.

دومین نکته در قوام یافتگی این مبارزات، سازمان‌یابی مطالبه‌گران است. کارگران و زحمتکشانی که بنا به هر علت و با هر خواسته‌ای دست به حرکات اعتراضی _ مطالباتی می‌زنند، باید این هوشیاری را داشته باشند که در لحظه مناسب با تجارب اندوخته خود دست به کار ایجاد سازمان مناسب زنند و اگر سازمان خود را دارند؛ به تقویت آن همت گمارند. این سازمان قطعاً زمانی کارآمد خواهد بود که الگو و

روش کار و مقررات و ضوابط آن توسط خود برپا دارندگان آن تعیین و انتخاب شده باشد.

نکته قابل اهمیت دیگر برای پیشبرد مبارزات مطالباتی اتکا به واقعی بودن جریان مطالبه گر و نفرات پای در رکاب و مصمم و یا سازمان موجود برخاسته از مطالبه گران آن است. متأسفانه امروزه با وجود امکانات روزآمد و گسترده ای که وجود دارد و می توان با اتکا به این امکانات عمدتاً رسانه گونه مثل انواع نرم افزار های موجود از ایمیل گرفته تا امکانات دیگر فضای مجازی چون تلگرام و واتس آپ و غیره. اما نه تنها از این امکانات استفاده درستی نمی شود، بل که به نادرستی فضاهایی به نام تشکل های کارگری و غیر آن ایجاد می شود که واقعیت بیرونی آن اصلاً هیچ شباهتی به سازمان واقعی یک گروه یا جمعیت هم صنف و همدل ندارد و تنها وسیله ای برای اصرار بر خودکامگی های فردی لیبرال منشانه و کاسب کارانه ای کسانی است که مدعی مبارزه هستند. سندیکاها و اتحادیه ها و شوراهای و کانون های دروغینی که در بهترین حالت از گروه های چند نفره ایجاد شده اند و یا حتی چنان در مدت یک هفته یا کمتر، چنین گروه هایی قارچ گونه سر از زمین فضای مجازی بیرون می آورند که گویا بر اثر طوفانی، آتش زیر خاکستر سر برآورده است. زیان چنین سازمان های جعلی کمتر از سرکوب گری حاکمیت نیست. چنان که متداول شده است این گروه های جعلی به شکل اعجاب آوری واقعیت نمایی می کنند و چون هنگامه کارزار و خیابان فرا میرسد معلوم می شود که اینها به تمامی جعل و فریب کاری است. سازماندهی در محل کار با همه ملاحظات امنیتی ضروری؛ این ویژگی را دارد که شفافیت رابطه را برای اعضای یک سازمان نشان دهد و ضعف ها و قوت های هر یک از اندام واره های این سازمان را نمایش دهد. در اینصورت مبارزه ای که ناشی از اراده این جمع و سازمان برگزیده باشد؛ اگر چه ممکن است کار دشواری را به پیش برند اما به بیراهه ای که دیگران برایشان ترسیم می کنند؛ ره نخواهند سپرد.

در شرایط کنونی این دایره و وسعت اعتراض سازماندهی شده و مصمم قطعا دستاوردهای بیشتر و هزینه های کمتری خواهد داشت.

در کنار این موضوع پر اهمیت وظایف و راهکار های کنونی، موضوع مهم دیگری نیز وجود دارد. ضمن باور به این که شرایط کنونی نشانه های بسیاری از سازش بین نظام جمهوری اسلامی و غرب و در راس آنها آمریکا را در خود دارد؛ اما به دلیل ویژگی های این نظام متکی بر ایدئولوژی دینی که بسیار ثلب و غیر منعطف در برقراری آزادی های فردی و اجتماعی است و این نبود آزادی ها به ویژه آنجا که خود مانع جدی در مقابل نظام بازار آزاد مصرف گرا است و بهره مندی بازار آزاد را از استعدادهای بی نظیر رشد مصرف در ایران باز می دارد؛ بی تردید در ادامه، چنین روش حکمرانی بسیار شکننده خواهد بود و آن آلترناتیو غرب پسندی که اکنون با توجه به شرایط نمی تواند چهره شود و توفیق و اقبالی برای جانشینی ندارد؛ در شرایطی دیگر می تواند با توجه به امکانات وسیع رسانه ای و منابع مالی و اعتباری و همچنین امکان لابیگری و زد و بندهای سیاسی با نیروهای راستگرای نیمچه ملی _ نیمچه مذهبی موجود، خیز بلند خود را برای کسب قدرت سیاسی بردارد و در این میان از قدرت بورژوازی میلیتاریستی که طی این سال ها پشت سر ولایت فقیه، سنگر گرفته است نیز برخوردار شود. آنچه در این میان رخ خواهد داد، چنانچه باز هم مردم فاقد سازمان های توده ای خود باشند و نتوانند با ابزار قدرتمند اجتماعی جایگاه خود را در تعیین سرنوشت خویش در نظام سیاسی _ اجتماعی و اقتصادی کشور رقم زنند؛ در واقع چون رمه ای سرگردان و رهایی یافته از دست شیر، به چنگال گرگ ها و پلنگ های گرسنه قدرت خواهند افتاد و این سرنوشت محتوم مردمی است که قادر به ایفای نقش اجتماعی خویش نیستند و در

این میان اگر سوسیالیست‌ها نتوانند به درستی در ایجاد آلترناتیو متکی بر مردم متشکل رسالت تاریخی خود را عینیت بخشند، آنگاه دیگر پاسخی درخور برای آینده و آیندگان نخواهند داشت .

راهکار ما چیست؟

پیش از هر چیز باید این باور را به مردم یادآور شد که سبب ساز این همه جور و ستمی که بر ما مردم زحمتکش ایران در طول تاریخ و به ویژه پس از انقلاب بهمن 1357 رفت عبارت بوده است از: (1) پراکندگی و جدایی از هم که علت آن در عدم شناخت ما از حقوق انسانی فردی و اجتماعی است. مردمی که شناختی از حقوق فردی و اجتماعی خود را نداشته باشند و به رعایت حقوق همدیگر واقف نشده باشند، بی تردید به راحتی دچار فرقه گرایی و تفرقه خواهند شد و در این میانه تنها کسانی که قدرت مسلط بر جامعه هستند از این تفرقه و جدایی سود خواهند برد.

این حقوق فردی و اجتماعی کدامند؟

حق آزادی بیان و اندیشه و حق برخورداری از پرسشگری _ حق آزادی داشتن سازمان های صنفی و مدنی و سیاسی _ حق برخورداری از آموزش رایگان و کارآمد که تضمین کننده آینده ای بهتر باشد و همچنین آزادی انتخاب آموزش به زبان مادری _ حق داشتن کار مناسب برای زندگی شرافتمندانه _ حق آزادی پوشش _ حق داشتن مسکن مناسب _ حق برخورداری از نظام سلامت ملی کارآمد و کم هزینه _ حق برخورداری از امکانات برابر برای رشد؛ بی هیچ تبعیض در هیچ مورد از جمله تبعیض جنسیتی، ملی، زبانی، قومی و مذهبی و تبعیض طبقاتی _ حق داشتن احزابی که بتوان با تکیه بر سیاست و برنامه هایش این حقوق را مطالبه و تحقق بخشید.

ایجاد این باور در مردم که تمامی امکانات و استعداد های طبیعی و ثروت های ناشی از آن به همه مردم تعلق دارد و منافع ملی یعنی بهرمندی برابر از ثروت های مادی و معنوی کشور باید الزامی خدشه ناپذیر باشد و مردم در دفاع از این منافع باید متحد شوند.

ایجاد این باور در مردم که هر انسانی حق رای و نظر خود را دارد و جامعه مسوول است او را برای استفاده سودمند از این حق برابر یاری دهد و در مقابل هر مانعی برای استفاده از این حق به مبارزه برخیزد. این امر تحقق نمی یابد مگر عمیقا درک شود که:

بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

ایجاد این باور در مردم که نظام سرمایه داری مسلط در جهان به خاطر برتری جویی نسبت به دیگر ابنای بشر و استثمار و بهره کشی از انسان و طبیعت برای کسب سود و انباشت سرمایه حتی اگر لازم باشد به کشتار و جنگ و نابودی جهان دست خواهد زد و این باور آنچنان بارور شود که صلح همراه با عدالت و برابری تنها در سایه قدرت همبسته همراه با آگاهی مردم برقرار خواهد بود .

(2) درس آموزی از تاریخ: تاریخ ما ایرانیان سرشار از تجاربی است که اگر به درستی مطالعه شود ؛ اگر به هدف ساختن آینده نگاهی دقیق به گذشته تاریخی خود اندازیم آنگاه در می یابیم که چه فرصت هایی برای پیشرفت و توسعه و عدالت و برابری نسبی در زمان های گذشته را از دست داده ایم. اگر به تاریخ خود بنگریم خواهیم دید که چگونه در طول تاریخ کسانی به نام مذهب و اعتقادات ناشی از آن، کسانی به

نام ملیت و شهسواری آن، کسانی به عنوان امین الرعايا ، وکیل الرعايا و تحت عناوین گوناگون در راه خدمت به قدرت همواره مردم را به مسلخ برده اند. همان هایی که درس خواندن را برای زنان گناه می دانستند، با خود اندیشیدن را شرک می دانستند و مردم را به تقلید وا می داشتند، همه کسانی که با دانشگاه ها و علم و کتابت و طبابت سر جنگ داشتند امروز از همه این عناوین برای سودورزی و انباشت سرمایه از هر ترفندی استفاده می کنند. تاریخ به ما مردم باید آموخته باشد که خلفا و سلاطین عامل عقب ماندگی این ملک و ملت بوده اند. تاریخ بر ما نظام های سودجو را در تمام دوران نشان می دهد و روحيات و اخلاقیات و منش مشترک آنها را نیز نشان داده است. تاریخ نشان داده است که مبارزان ما از شاعران و نویسندگان تا روشنفکران و مردم زحمتکش را چگونه اسیر کرده اند، زبان بریدند، رگ زدند، با تزریق هوا درون رگ زندانی را از هستی ساقط کردند. تاریخ نیم قرن اخیر نشان داده است که چگونه شاه و ملایان در مسند قدرت مدافع حقوق خان ها، ملک داران و سرمایه داران بوده اند و چگونه مبارزان در بند را به ضرب شلاق و شکنجه به اعتراف گناه ناکرده واداشته اند. تاریخ یادآوری می کند که هیات های مرگ چگونه هزاران زندانی سیاسی در بندها و زندان های سراسر کشور را حلق آویز کرده و در گورهای دسته جمعی و دور از نظرها به خاک سرد سپردند و این همه در شرایطی رقم خورده است که افیون دین و خرافه ذهن مردم باورمند را به خود مشغول داشته بود و حکومت دینی چه وعده هایی برای خوشبختی دنیایی و عقبایی مردم سر میداد.

امروز نیز کارگران و دانشجویان و خبرنگاران را با همان شیوه ها و اتهامات واهی، به زور شکنجه تمشیت می کنند و فیلم های اعترافات دروغین را برای فریب مردم نمایش می دهند بخشی از حافظه تاریخی مردم را با گمراه سازی رسانه ای از بین می برند و دروغ های شاخدار را جایگزین آن می کنند. رسانه های فراگیر حکومتی و رسانه های بین المللی چون «صدای آمریکا»، «من و تو» و «بی بی سی» همه در راستای چهره پردازی از صورت زشت نظام سرمایه داری برای فریب مردم هستند و این تاریخ است که باید ذهن مردم را به تکاپو وادارد تا از میان آن همه تجربه های تلخ، واقعیت ها را بیرون کشیده و راهنمای عمل خویش قرار دهند. این نیز از وظایف تاخیر ناپذیر سوسیالیست هاست.
